

نقش توسعه زنان در توسعه جامعه (با رویکرد خانواده های ایرانی)

آیدا نصرت طلب حقی^۱

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد رودهن، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

امروزه مشارکت حداکثری زنان در جامعه جهت دستیابی به توسعه در همه ابعاد توسعه پایدار امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. زیرا موقعیت زنان در هر جامعه به شدت تحت تأثیر شرایط و سطوح مختلف توسعه در کشورها است، هرچه کشورها توسعه یافته تر باشند شکاف بین توسعه یافتگی زنان و مردان کاهش می یابد. از این جهت بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص های توسعه در هر جامعه است. وضعیت توسعه یافتگی در کشور ما در بعضی شاخص ها مانند سلامت مادران و کودکان بهبود چشمگیری داشته است اما در بعضی از شاخص ها مانند تعداد نمایندگان زن در پارلمان، سواد رسانه های دیجیتال هنوز پیشرفت در خور توجهی نداشته و تلاش های فراوانی را می طلبد. با توجه به هنجارهای حاکم بر خانواده های ایرانی (عوامل مقوم و فرساینده در سه بعد فردی، خانوادگی، اجتماعی) به نظر می رسد توسعه زنان در کشور ما نیاز به بازاندیشی و بازنگری دارد.

واژه های کلیدی: توسعه، توسعه زنان، خانواده ایرانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

توسعه یکی از پر چالش ترین مفاهیم و موضوعات در ایران است و چالشی شدن آن به تقدم حضور برنامه ای تا مفهومی و نظری آن در ایران برمی گردد و قبل از اینکه دانش و آگاهی لازم را درباره توسعه داشته باشیم وارد اجرای آن شویم و برنامه تدوین کنیم و تبدیل به یک مقلد از برنامه های توسعه های توسعه غربی و شرقی شدیم و با دو طیف ازدیدگاه مواجه شدیم، یکی مطالعات توسعه ای که منتقدان و روشنفکران و معترضان آن را دنبال می کنند و دیگری عمل توسعه ای که بروکرات ها و مردم آن را دنبال می کنند بطوریکه بروکرات ها مسئول تهیه برنامه و گاهی اجرا و مردم به لحاظ عینی درگیر آن هستند و همین دوگانگی فضا با عث مشکلات بنیادی شده است. تلاشهای زیادی به واسطه طرفین در پیوستگی صورت گرفته است ولی به دلیل سوگیری ها کار به جایی رسیده و می توان اط شکل دهی سازمان ها بوسیله بروکراتها و مجریان نام برد اما در عمل این دو هیچ گاه پیوند مناسبی با هم نداشته اند و همیشه سئوالات اساسی مثل الگوی مناسب توسعه چیست؟ نقش نظام ارزشی و فرهنگی خانواده های ایرانی چیست و زنان در توسعه چیست؟ در فرآیند توسعه مسئله جنسیت ابعاد و مولفه های متنوع و بر اضلاعی دارد و از یکسوموجب نگرانی مسئولات دولتی، اجتماعی و سیاسی است. و از سوی دیگر دغدغه خاطر زنان و دختران شده است، بی اعتنایی و پرده پوشی زنان و دختران مسئله جنسیت و توسعه موجب انباشت مطالبات زنان و دختران و بروز ناخوشنودی اجتماعی در این طبقه از جامعه "که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند" می گردد که جامعه ما را از نیل به اهداف توسعه پایدار باز می دارد، لذا نباید آن را از داده بررسی های علمی کنار گذاشت و صورت مسئله را پاک کرد و در مقابل چنانچه به ارزش ها و استعدادی بالقوه این طبقه عظیم جامعه به شکل مستقیم و غیر مستقیم توجه کنیم الهام بخش جامعه ای بسیار مترقی و آگاه و سالم خواهیم بود (محبوبی منش، حبیب زاده ملکی، ۱۳۹۰) در ایران هرچند از منظر دینی هیچ مانعی برای فعالیت و مشارکت زنان دیده نمی شود و در عین حال اهمیت و نقش زنان در امر تولید بیش از پیش درک شده اما نابرابری و تبعیض در همه سطوح و ابعاد به چشم می خورد و سیاست های طراحی شده به شکل پیوست برنامه بوده و در حد طرح و برنامه باقی می ماند بنابراین زنان که نیمی از منبع توسعه هر کشوری هستند و به دلیل اینکه زنان پرورش دهنده و هدایت کننده نسل آینده به شمار می روند. بنابراین در پی ریزی ابعاد انسانی توسعه نقش اساسی دارند (حیدری، ۱۳۹۷) حال سئوال اصلی که ذهن همگان را به خود مشغول کرده است این است که آیا زنان از توسعه یافتگی لازم برخوردارند که بتوانند خود توسعه آفرین شده و به توسعه پایدار جامعه کمک کنند؟ روش کار در مقاله حاضر پدیدارشناسی که یک روش تحقیق کیفی است که هر چند نقطه شروع آن فلسفه است، ولی خیلی زود به رشته های علوم اجتماعی، روان شناسی و پرستاری نیز رسید. این روش تحقیق نظام دار و دقیق، یکی از رویکردهای تحقیق است، که به جلوه گری و نمایاندن ادراکات تجربه انسانی در مورد انواع پدیده ها می پردازد. (سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به تعریف ارائه شده در این پژوهش سعی می شود به بررسی جوانب موضوع توسعه زنان پرداخته شده و با توجه به اینکه پژوهش با رویکرد خانواده های ایرانی به بیان اصول و ارزشها و ریشه ها و هنجارهای خانواده های ایرانی پرداخته و در نهایت به بررسی عوامل می پردازیم.

چیستی توسعه:

توسعه اصطلاحی است که از دهه ۱۹۴۰ در اقتصاد رواج یافت و آنرا فرایند تغییر از وضع موجود به وضعیت مطلوب می دانند و اینکه هیچ توافقی بر سر اینکه شرایط مطلوب چیست وجود ندارد (کلمن نیکسون^۳، ۱۳۷۸). سیرز (۱۹۷۲) می گوید ارزش های

۱: Gender

۲: براساس نتایج آخرین سرشماری جمعیت زنان ۳۹۴۲۷۸۲۷ نفر می باشد.

۳: kolman nickson

مورد نیاز با طرح این پرسش که شرایط لازم برای تحقق شخصیت بالقوه انسانها چیست مشخص می شود و تا قبل از دهه ۱۹۷۰ توسعه با رشد مترادف بوده است با گذشت زمان و تغییرات اساسی در رشد بدون تغییر در توسعه این مسئله مورد بررسی قرار گرفت که در مسیر رشد گاهی توسعه اتفاق نمی افتد اما توسعه همیشه با رشد همراه است (قره باغیان، ۱۳۸۱). توسعه فرایندی همه جانبه است که نه فقط جنبه و عوامل اقتصادی بلکه همه عوامل موثر در بهبود شرایط زیستی شامل عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی را در بر می گیرد و این تعریف شامل تعریف سازمان ملل و کشورهای مشترک المنافع از معنی توسعه نیز می شود. با توجه به اینکه سنجش نسبی توسعه است بسیاری از معیارها یا اهدافی که توسعه را ارزیابی یا مورد قضاوت قرار می دهند کیفی هستند و به سه دلیل اندازه گیری آن دشوار است:

۱- شاخص کمی که توان اندازه گیری دقیق معیارهای کیفی را ندارند.

۲- هیچ یک از شاخص ها نمی توانند سطوح کیفی به دست آمده بر اساس همه ابعاد توسعه را به طور مطلوبی برآورد کنند به ویژه اگر به خاطر آوریم که توسعه در همه ابعاد اقتصادی و سیاسی واجتماعی و فرهنگی است.

۳- ایجاد شاخصی که بتواند همه ابعاد و شاخص ها را تجمیع کرده و با عنوان یک شاخص واحد مورد بررسی قرار دهد مشکلات محسوسی دارند (قره باغیان، ۱۳۸۱).

توسعه انسانی و شاخص های توسعه انسانی^۴:

توسعه انسانی^۵ به عنوان فرایند گزینه های مردم و افزایش سطح رفاه زندگی در همه ابعاد تعریف شده است و به خودی خود یک هدف است. به بیان دیگر توسعه انسانی یعنی دست یافتن همه انسانها به سلامت کامل، کار زندگی آفرینندگی و توان سازماندهی و در یک کلام دگردیسی انسان به موجودیتی که در او نهفته است (انسان راستین) با هدف اصلی توسعه بهره رساندن به انسان یعنی بهبود کیفیت زندگی است بنابراین هدف نهایی توسعه انسانی برخورداری از زندگی طولانی، سالم اخلاق در محیط غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک که با افزایش درآمد و گسترش اشتغال به عنوان دو وسیله لازم و ضروری برای نیل به آن همراه است (حسینی، ۱۳۸۹). گریفین و مک کنلی (۲۰۱۴) منابع سرمایه را در سه بخش ۱- سرمایه طبیعی (منابع طبیعی، گیاهان و جانوران و خاک و ذخایر معدنی و منابع آبهای شیرین) ۲- منابع سرمایه مادی (وسایل مصنوعی، ماشین آلات و تجهیزات، پل ها و راه آهن و...) و ۳- سرمایه انسانی (دانش و مهارت تجربه انرژی و ابتکار و...) معرفی کرده است. اقتصاد توسعه توجه اصلی را بر منابع مادی گذاشته است و سرمایه انسانی به عنوان یکی از اجزاء نقش کلیدی را در این فرایند دارد. در بررسی شاخص های توسعه انسانی در میان کشورهای دنیا در سال ۲۰۱۸ نروژ با ۰/۹۵ رتبه اول و سوئیس و استرالیا با ۰/۹۳ و ۰/۹۳ در مراحل بعدی هستند رتبه ایران ۶۰ و نیجیره با کمترین شاخص ۰/۳۸ را دارا می باشد (حسینی، ۱۳۸۹). بنا براین توجه به ابعاد توسعه انسانی باعث شده است که سازمان ملل شیوه جدیدی را برای اندازه گیری توسعه ارائه داده است که شاخص توسعه انسانی است این شاخص دارای چهار بعد است ۱- شاخص امید به زندگی در هنگام تولد، ۲- درآمد سرانه کشور، ۳- میانگین تعداد سالهای تحصیل کشور، ۴- امید به تعداد سالهای تحصیل کشور تشکیل می شود که به ترتیب معیارهای سلامت سطح زندگی و آموزش را تشکیل می دهند (سایت سازمان ملل، ۲۰۱۱). برنامه توسعه سازمان ملل از سال ۱۹۶۶ کارش را آغاز کرده

^۴: Human Development Index

^۵: Human Development

^۶: Griffin & Mac Celn

شبکه ای است که با تلاش های ملی و جهانی می کوشد نوعی از پیشرفت را معرفی کند که کیفیت زندگی را برای همه بهبود بخشد. و جامعه رادر راستای ایستادگی در برابر بحران ها یاری رساند، در این زمینه برنامه سازمان ملل در راستای چالش ها عبارت است از: ۱- کاهش فقر و دستیابی به اهداف توسعه هزاره ۲- حکومت دموکراتیک ۳- پیشگیری از بحران و بازیابی ۴- محیط زیست و انرژی برای دستیابی به توسعه پایدار (خیری دوست و نصیری، ۱۳۹۴). همچنین در تمامی فعالیتهایش حفاظت از حقوق انسانی، توسعه ظرفیتهای و توانمندسازی زنان را ترویج می کند برنامه توسعه سازمان ملل تساوی جنسیتی و توانمند سازی زنان را هم از جهت حقوق انسانی زنان و هم از جهت این که راهی برای رسیدن به اهداف توسعه هزاره و توسعه پایدار است (سایت سازمان ملل، ۲۰۱۱). گزارش سازمان ملل از شاخص های توسعه انسانی در ایران نشان می دهد که این شاخص از حدود ۰/۵ در سال ۱۳۶۹ به ۰/۸ رسیده که جزء کشور های با رتبه های بالا است بطوریکه در سال ۲۰۱۸ شاخص ها به شرح جدول شماره ۱ می باشد:

جدول ۱- مقایسه شاخص های توسعه انسانی در ایران در سال ۱۹۹۰ و ۲۰۱۷ برگرفته از خیری دوست و نصیری، ۱۳۹۴

شاخص های توسعه انسانی	۱۹۹۰	۲۰۱۷
امید به زندگی زمان تولد	۶۳/۸	۷۶/۲
مدت زمان تحصیل	۹/۲	۱۴/۹
متوسط سالهای تحصیل	۴/۲	۹/۸
درآمد ناخالص ملی	۱۱۴۲۰ دلار	۱۹۱۳۰ دلار

ارزش عددی شاخص های توسعه انسانی عددی بین صفر و یک است و ایران در رتبه ۵۹ جهان قرار دارد که بالاترین سطح را در میان کشورهای منطقه دارا می باشد اما درباره شاخص های توسعه زنان وضعیت معکوس است و ایران جزء کشورهای بسیار ضعیف می باشد. این موضوع درباره اکثر کشورهای جهان برابر و فقط شش کشور سوئد، دانمارک، فرانسه، لتونی، لوکزامبورگ، بلژیک حقوق برابر مرد و زن در همه جوانب را تضمین می کنند در شناسایی این شاخص ها ۳۵ عامل اصلی مثل تصمیم آزادانه درباره محل زندگی، قوانین محل کار، قوانین علیه آزار و اذیت، سرپرستی فرزندان، یکسان بودن سن بازنشستگی و... بوده است (تمیزی، ۱۳۹۸).

توسعه زنان :

بدون شک توسعه مستلزم استفاده از تمام توان، توانمندی ها، ظرفیت ها و استعداد های موجود در هر جامعه است. مطالعات و تجربیات کسب شده جهانی در طول سالهای اجرای برنامه های توسعه نشان می دهد میزان توسعه یافتگی هر کشوری تابعی از شاخص های کیفیت گروه های مختلف اجتماعی از جمله زنان است. غفلت و نادیده گرفتن قابلیت ها و توانایی های این درصد بالای جمعیت بدون شک سبب به هدر رفتن توانایی ها و استعداد های این بخش از جامعه است برای توسعه یک جامعه بررسی و مذاقه توسعه زنان امری بسیار مهم است و به سرانجام رسیدن این مهم مشمول شناخت ابعاد جنسیتی توانایی ها، برنامه ریزی توسعه و مطالعه پیامدهای این توسعه بر زندگی زنان است (شفیعی پور و پور باقر، ۱۳۹۳). به لحاظ تاریخی بررسی موضوع توسعه زنان به تدریج از اوایل دهه هفتاد میلادی آغاز شده است بوسراپ^۷ در سال ۱۹۷۰ در کتاب نقش زنان در توسعه اقتصادی به اهمیت نقش زنان در توسعه اقتصادی می پردازد (بولس، ۱۹۹۹). با توجه به اینکه زنان در کشورهای

^۷boserup

^۸bols

در حال توسعه درصد بالایی از جمعیت را تشکیل می دهند در ایران نیز حدود نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می دهند در حالی که میزان مشارکت آنها در بخش های مختلف ناچیز است البته زنان در بخش های مختلفی مثل کشاورزی و دامداری و آبخیزداری و... مشغول به کار هستند، ولی در عمل این شغل ها رسمی به حساب نمی آیند. اما طرح مطالبات زنان که ناشی از افزایش آگاهی آنان از حقوق برحقشان است دولت را مجبور به توسعه برنامه هایی کرد که در جهت افزایش اعتبار به منظور آموزش و توسعه زنان ضمن پذیرش ساختارهای اجتماعی موجود در کشور می باشند. و در نتیجه برنامه توسعه سازمان ملل متحد زیر مجموعه ای به نام زنان توسعه یافت که اقدامات عینی در جهت تضمین مشارکت زنان در برنامه های توسعه انجام دهند. در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ به گزارش سازمان ملل متحد و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی توسعه انتشار یافت که از زنان دعوت کرد که به عنوان ذی نفعان در همه بخش ها و سطوح علمی وارد بازار کار شوند و زنان را از رویکرد اقتصاد خانگی دور کرده و به فعالیت های اقتصادی که با شرایط جسمی و روحی آنان سازگار باشد مبادرت ورزند (ویکس، واکلیانی^۹، ۱۹۸۵). علی رغم این موضوع اجرای برنامه های توسعه در خصوص بهبود شاخص های اقتصادی هنوز دستخوش نابرابری های جنسیتی است و شاخص های توسعه زنان جز در کشورهای اندکی تقریباً نادیده گرفته می شود و در بعضی از کشورها افزایش بسیار کندی را در پیش دارد. با نگاهی اجمالی به برنامه های اول تا ششم توسعه در ایران به این نتیجه می رسیم که در برنامه اول و دوم توسعه موضوع زنان به عنوان زیر مجموعه ای از بحث کنترل مولید و جمعیت مطرح شده و به بحث ورزش و تشویق و مشارکت زنان در امور اجتماعی و فرهنگی به عنوان اموری التیام بخش و تسکین دهنده طرح و مشکلات اساسی و واقعی زنان اشاره نشده است در برنامه سوم توسعه بی طرفی جنسیتی را بطور آگاهانه لحاظ کرده و بر توانمند سازی زنان تاکید شده است و مهمترین دغدغه برنامه چهارم توسعه موضوع اشتغال زنان و ارتقاء جایگاه اقتصادی زنان در جامعه است و توسعه به معنای رسیدن زنان و مردان به یک مقصد مشابه در تعالیم الهی تاکید شده است. اما برنامه سوم و چهارم متناسب با وضعیت زنان تحصیل کرده و غافل از زنان خانه دار مطرح شده و موضوع خشونت علیه زنان را به عنوان توصیه بین المللی و نه اولویت مشکلات جامعه زنان ایرانی مطرح کرده است که نتایج آن نوید بخش و ارزنده نبوده ولی می توان گفت که وضعیت اشتغال و تحصیل را کمی بهبود بخشیده ولی در بسیاری از بخش ها ناقص و بدون توجه است و می توان بازتاب آن را در میان ایران با کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته دید که در دو دهه اخیر رتبه خوبی را در جهان نداشته است اما روند روبه رشد در بعضی از شاخص های توسعه انسانی، متأسفانه در شاخص های مربوط به زنان وضعیت بسیار نامطلوبی برخوردار است و از کشورهایی پاکستان و بحرین نیز پایین تر است اما با توجه به افزایش آمار سواد و ورودی زنان به دانشگاه و آموزش عالی می توان امید داشت در چند سال آینده پیشرفت هایی را داشته باشیم (کرمی، ۱۳۹۱؛ شفیعی و پور باقر، ۱۳۹۴؛ زعفرانچی، ۱۳۸۵). اما با نگاه کلی به برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰) بیشتر بندهای مربوط زنان تاکید بر تحکیم نهاد خانواده تدوین شد. خلاصه اهداف در خصوص زنان در ماده ۲۳۰ این برنامه به خوبی نمایان است شامل تقویت نهاد خانواده و جایگاه زنان در همه زمینه ها با تدوین و تصویب برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده مشتمل بر محورهای تحکیم بنیان خانواده برای زنان بد سرپرست و سرپرست خانوار، تامین اجتماعی، اوقات فراغت، پرورش و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ارتقای سلامت توسعه توانایی سازمان های مردم نهاد و ارتقاء توانمندی زنان نخبه و مدیر، توسعه تعاملات بین المللی، تمیق باور های دینی و اصلاح ساختار اداری تشکیلاتی زنان و خانواده (کوشیک و همکاران، ۱۳۹۴). اما مسئله مهم در برنامه توسعه پنجم کاهش قدرت و عاملیت زنان است که طراحی نظام سطح بندی خدمات حمایتی و توانمند سازی متناسب با شرایط بومی منطقه ای و فراهم کردن ظرفیت های لازم برای استقرار نظام مذکور (بند الف ماده ۳۹) از شاخص های مهم این برنامه است. در برنامه ششم توسعه ماده قانونی حمایت و توانمند سازی زنان سرپرست خانوار به ماده قانونی اضافه شده است و جزء مسائل محوری برنامه ششم قلمداد می شود و با برنامه هایی مثل سلامت، تدوین این طرح به عهده معاونت امور زنان ریاست جمهوری است. با توجه به اینکه تمرکز بر سرمایه انسانی زنان در فرایند توسعه پایدار (ماده ۱۰۱) جز از طریق مشارکت همه جانبه زنان در عرصه های اقتصادی

فرهنگی و اجتماعی حاصل نمی شود لذا این عبارت همراه تقویت جایگاه سازمانی زنان و خانواده که می تواند از آن از طریق تشکل ها و نهادهای غیر دولتی سازمان یابد شاخصه ای در جهت افزایش عاملیت و قدرت زنان در جامعه است عبارت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در قسمت پایانی ماده ۱۰۱ سعی در ارائه حس و مشارکت زنان با موازین اسلامی و بومی دارد. با توجه به شاخص ها دو مولفه پیشرفت و عاملیت و چهارچوب نظری می توان منابع فردی و اجتماعی و هنجارها را به منزله سه عامل مهم در توانمند سازی زنان است و برنامه های سه گانه توسعه زنان شامل:

۱- منابع فردی و اجتماعی: شامل دسترسی به تسهیلات آسان و دریافت وام و خدمات مالی خرد که یکی از راه های توانمند سازی است زیرا نبود سرمایه مهمترین محدودیت دستیابی به درآمد محسوب می شود. که از شاخص تاثیر تامین مالی خرد از مقیاس های بنگاهی (دارایی، اشتغال، درآمد) فراتر رفت به عنوان سیاست گذاری برای بهبود شرایط زیستی زنان بسیار اهمیت دارد. تامین مالی خرد به عنوان حلقه مفقوده در ایجاد کار مولد و درآمد زا در برنامه های توسعه است که در برنامه ششم به آن توجه ویژه شده است (محمدی، ۱۳۹۴).

۲- هنجارها: هر چند تغییر نگرش مرتبط با نقش های جنسیتی و افزایش چانه زنی در خانواده در عرصه عمومی را نرم ها و هنجارهای یک جامعه تعیین می کند و مستقیماً در معرض قانون گذاری قرار نمیگیرد نهادهای تاثیر گزار می توانند با آسان کردن ورود زنان به مشاغل مختلف نگرش جامعه را درباره حضور زنان در مشاغل و حرف را اصلاح کنند در برنامه ششم به صراحت در ورود زنان مدیر و نخبه و زنان سرپرست خانوار گویای ادعای تمرکز بر توسعه زنان بوده هر چند تحکیم خانواده و نقش های مادری را از همه مهمتر می داند در اصلاح نگرش ها و باورها در عرصه ذهنی و با تغییر قوانین مدنی و تغییر در عرصه قانونی را دنبال می کند (کندال، ۱۳۹۳).

۳- نهادها و موسسات: توانمند سازی تشکیلات مردمی، نفوذ در ساختار دولت از راه های نفوذ زنان برای مشارکت در عرصه های مختلف است (بهرامی تاش، ۱۳۸۹) حمایت از سازمان های غیر دولتی و مردم نهاد از دیگر چشم اندازهای برنامه توسعه است که به افزایش آگاهی زنان منجر می شود و اعتماد زنان به توانمندی شان را بالا می برد برنامه چهارم با اختصاص ماده ای به نام رشد نهادهای مدنی و تشکل های زنان سعی در افزایش فعالیت های مدنی زنان و پیگیری مطالبات آنها دارد، برنامه پنجم توانایی سازمان های مردم نهاد را در راستای حفظ و قوام خانواده تعریف می کند و برنامه ششم در این زمینه ماده قانونی منحصر به فرد ندارد (زارعان و همکاران، ۱۳۹۷).

رویکردهای توسعه زنان: رویکرد های مربوط به زنان و توسعه موزر، ۱۹۸۹ و سایرین چندین رویکرد را بر اساس سوابق تاریخی پیشنهاد کرده اند که سه تای اول توسط متخصصین داخلی بر مبنای اصول اسلامی و قانون اساسی بعد از انقلاب اسلامی بوده و بقیه نظر متخصصین خارجی می باشد.

رویکرد اعتدال گرا: با توجه به اینکه رویکرد غالب در جمهوری اسلامی شامل نقش محوری زن در خانواده بالاخص نقش مادری و تربیت فرزندان است اما نباید از نقش محوری زن در اجتماع نیز غافل شدن و باید تاکید داشت که زن و مرد دارای حقوق مشابه و مساوی در اجتماع هستند این رویکرد مورد توجه مقام معظم رهبری نیز می باشد که برگرفته از بیانات امام خمینی نیز می باشد.

رویکرد فعال گرایی اجتماعی زن: در مقابل رویکرد اعتدال گراست که در واقع طرفدار رویکرد اصالت نقش اجتماعی زنان که فمینیست ها جزء این گروه قرار می گیرند در این رویکرد اصالت زن را به نقش اجتماعی او نسبت می دهند تا به نقش زن در خانواده. در این رویکرد به ابعاد روان شناختی و جامعه شناختی زن توجه شده. به دنبال ایجاد تغییر در نظام مستقر و سنتی

بوده آنان را از اجتماعات کوچک مثل خانواده خارج کرده و به لایه های تصمیم گیری اجتماع وارد کرده اند اما در حالت معتدل تز باید به دنبال تثبیت نقش زن در نظام خانواده و سپس به دنبال تسهیل و تقویت حضور زنان در عرصه های اجتماعی بوده و در این میان نقش شغلی و امنیتی و آزادی و فعال گرایی اجتماعی نیز رعایت شود.

رویکرد سنتی یا فعال گرایی خانوادگی زن: این طیف فقط به دنبال این نظر هستند که زن باید در قالب زن در خانه فقط به نقش مادری پرداخته و مشارکت حضور زنان در اجتماع کاملاً بی دلیل بوده و در هایت باعث تضعیف نظام خانواده و بروز خلاء و اشکال در تربیت فرزندان می شود و در نهایت به آسیب های اجتماعی فراوانی می انجامد اما با نگاهی به برنامه اول تا ششم توسعه نشان می دهد که جایگاه زن در این برنامه ها از دیدگاه اعتدال گرا پیروی می کنند بدین معنی که به تقویت بنیان خانواده با محوریت زنان توصیه شده و هم بر لزوم تقویت جایگاه زنان در عرصه های اجتماعی توصیه شده است.

رویکرد رفاهی: این رویکرد به دهه ۱۹۵۰ برمی گردد و نخستین تلاشها برای توسعه در عرصه بین المللی آغاز گردید هدف از آن حمایت و پشتیبانی از زنان در ایفای نقش خانه داری آنها بوده و در حقیقت نخستین برنامه های جهانی که حمایت از گروه های آسیب پذیر که راس آن را زنان تشکیل می دهند هدف اصلی آن بوده است. این رویکرد بر این فرض است که زنان دریافت کننده غیر فعال توسعه هستند نه مشارکت کننده فرایند آن در این الگو نقش زت به عنوان همسر و مائر اصلی ترین نقش اجتماعی زنان است.

رویکرد عدالت محور: از بعد از دهه ۱۹۷۰ تاکید بر نقش بارز اقتصاد زنان و هدف آن برابری جنسیتی زن و مرد در کلیه شئون زندگی بوده و توسعه را بدون در نظر گرفتن نقش تولیدی زنان در خارج از خانه با شکست مواجه خواهد شد همچنین بر این مبنا زنان، نقش تولید و باز تولید و مشارکت در رشد اقتصادی را نیز بر دوش دارند.

رویکرد فقر زدایانه: این رویکرد که بیشتر بر رویکرد دوم استوار است بیانگر این واقعیت است که نابرابری جنسیتی رابطه مستقیم با فقر دارد به این معنی که نابرابری های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بین زن و مرد موجب افزایش فقر زنان نابرابری آنان نسبت به مردان به دلیل کاهش دستیابی آنها به مالکیت شخصی سرزمین و سرمایه و تبعیضات جنسی در بازار کار است. اگر چه این سیاست گذاری ها بر مبنای ایجاد درآمد برای زنان است و مسئله کنترل درآمد همیشه از مسائل مهم برای مردان بوده این عامل مهم کنترلی مردان روی زنان بوده است.

رویکرد اثربخش: در این رویکرد تاکید بر نقش زنان جای خود را به تاکید بر توسعه داده با این فرض که افزایش مشارکت زنان بطور خود جوش با افزایش برابر ارتباط دارند رکود اقتصادی به وجود آمده در دهه ۸۰ نظر اندیشمندان را در بهره گیری از زنان و نقش تولیدی آنها در فرایند توسعه جلب کرد اگر چه این رویکرد عملگراییانه است. اما نقطه آغازی برای زنان در باز تعریف دستور کار توسعه بود.

رویکرد توانمندسازی: این رویکرد بر تجربه سازمانی توده مردم تکیه دارد که با گرایش های فمینیستی زنان برای رسیدن به جهان توسعه همراه است بر پایه این رویکرد توانمند سازی به معنای افزایش ظرفیت زنان برای بالا بردن اعتماد به نفس است تا خود بتوانند مسئله یابی، توسعه و تغییر بپردازند عمومیت یافتن رویکرد توانمند سازی در توسعه و تغییرات اجتماعی موجب ایجاد فرایند هایی شود که خود به مشارکت بیشتر زنان انجامید (کاظمی، ۱۳۹۵). ادبیات توانایی توانمند سازی شامل مهارت های استفاده از رسانه دیجیتال برای دسترسی، جستجو، تجزیه و تحلیل، انعکاس، اشتراک گذاری و ایجاد کردن آن است (سوانا و لایلی، ۲۰۱۷). مطالعات فراوان نشان می دهد که یکی از فاکتورهای مهم در توسعه زنان در جامعه امروز سواد رسانه و توانمند سازی آنان است به این معنا که زنان زمانی می توانند به عنوان محوریت توسعه در جامعه نقش بازی کنند که بتوانند خود را توانمند سازند این توانمند سازی شامل به روز شدن همراه با تکنولوژی های روز استفاده از آن برای کسب مشاغل بهتر و درآمد

بیشتر و حضور در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است هدف از توسعه زنان درک و فهم آنان از تکنولوژی ابداع ایده های خلاقانه، برنامه ها و نرم افزارهای کاربردی برای توسعه زنان در جامعه است. ایجاد فرصت ها و چالش ها بهبود سواد رسانه در زنان که منجر به توسعه آنان می شود همچنین گذر از مرحله زنان سنتی به زنان توسعه یافته که علاوه بر اینکه می توانند در نقش های مادری و همسری بدرخشند می توانند افرادی مثر ثمر در جامعه باشند.

سه رویکرد نخست جنبه حمایتی دارد و دورویکرد بعدی جنبه عاملیت دارد. هر دو این رویکرد ها رفاه گرا و عاملیت در دستور کار جنبش های امروز زنان قرار دارند اما جنبه های عاملیت در سالهای اخیر مورد توجه بیشتری قرار دارد. اما اساس تلاش این جنبش ها تلاش برای کسب برخورد بهتر و رفتار عادلانه تر با زنان بوده است. با توجه به وجوه مشترک این دو رویکرد به دشواری به قابل جداسازی است. آمارتیا ۱۳۸۱ عقیده دارد که جنبه رفاهی و عاملیت جنبش های زنان ناگزیر دامنه های مشترک زیادی دارند اما این دو جنبه در سطح بنیادی متفاوت از یکدیگرند چون نقش یک فرد به مثابه عامل اساسا متفاوت (نه مستقل) از نقش همان فرد به مثابه بیمار است. آموزش به مثابه بنیادی ترین ره حل ها اگرچه آموزش (آموزش عمومی و عالی) یک راه حل کلیدی و مادام العمر است بطوریکه در بسیاری از کشورها در حدود ۹۰ درصد حتی در کشورهای توسعه یافته سازمانها با صرف هزینه هنگفت می کوشند راه را برای حضور بیشتر زنان در سطوح الی مدیریتی بگشایند (کازمی، ۱۳۹۵).

زنانه شدن فقر: در بررسی های صورت گرفته راجع به زنان به تازگی با مسئله زنانه شدن فقر مواجه شده ایم که دربرگیرنده سه فاکتور مشارکتی است که در این ادبیات زنان در توسعه^۱ و جنسیت در توسعه^۲ مورد تاکید است ۱- رشد زنان سرپرست خانوار ۲- نابرابری درون خانوار و تعصب علیه زنان و دختران ۳- سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی همچون تعدیل ساختاری و انتقال بازار پست سوسیالیستی (زارغان، زارعی و هنر دوست، ۱۳۹۷). یکی از دلایل بسیار عمده در زنانه شدن فقر مسئله افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار است در ایران از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۹۵ از رقم ۷/۳ به ۱۲/۱ و رقم ۱۶/۲ در سال ۱۳۹۷ رسیده است نرخ بالای امید به زندگی زنان نسبت به مردان، بیوه شدن، بالا رفتن سن ازدواج و استقلال مالی دختران و طلاق در سالهای اول زندگی موجب شده است که میزان زنان خودسرپرست دوبرابر بیشتر از مردان خود سرپرست است (محمدی، ۱۳۹۴؛ محمدی، ۱۳۹۱).

مقیاس شاخص های نابرابری جنسیتی در ایران و کشورهای همسایه: نقش کلیدی زنان در تکامل خانواده و فرزندان منجر به برخورداری از زندگی طولانی توأم با سلامت و تعریف شاخص نرخ مرگ و میر مادران منجر شده و شاخص دیگر نرخ باوری زنان و نوجوانان و ارتقاء سلامت مادران را در نظر دارند ایران شاخص نسبت مرگ و میر مادران در سال ۱۹۹۰ از ۱۲۰ در ازاء هر ۱۰۰ هزار تولد به ۲۱ در سال ۲۰۱۰ به ۱۸/۸ در سال ۲۰۱۸ رسیده است آمار مربوط به نرخ باروری زنان نوجوان نشان می دهد که در میان کشورهای منطقه عربستان توانسته بیشترین کاهش در میزان این شاخص ها را به خود اختصاص دهد ۱۱/۶ درصد باروری در هر ۱۰۰۰ زن نوجوان بعد از آن کویت که شاخص را به نصف کاهش یافته و ترکمنستان ۲۹/۵ درصد و در ایران این مقدار را کاهش داده است. کمترین میزان شاخص باروری زنان نوجوان مربوط به سوئیس با ۳/۹ و ایتالیا با ۴ تولد در هر هزار زن ۱۵-۱۹ سال است در سال ۲۰۱۱ متوسط این شاخص در جهان ۵۱/۲ و در کشورهای توسعه بالا ۴۵/۹ است که ایران به میزان درخور ملاحظه ای از آنها کمتر است (خیری دوست و نصیری، ۱۳۹۴). مشارکت سیاسی یکی از حقوق انسانی افراد جامعه است. مشارکت سیاسی در دو سطح طبقه بندی شده است نخست مشارکت در سطح توده ها مانند مشارکت در انتخابات و استفاده از حق رای، شرکت در گروه ها و انجمن های سیاسی و شرکت در خدمات انسان دوستانه و جنبش های

^۱:Woman In Development

^۲:Gender In Development

محیط زیست و بهداشتی و دوم مشارکت در سطح نخبگان و برگزیدگان. این سطح از مشارکت سیاسی معمولاً در حیطه قوای مقننه و مجریه و قضائیه، اعضای اصلی در وزارت خانه ها و شرکت در خدمات بین المللی است. آموزش به عنوان زیر بنای تقویت آگاهی فرد است که افق های جدیدی و دامنه گسترده ای از فرصت ها و انتخاب ها افراد داشته باشد اهمیت آموزش برای زنان بسیار بیشتر است زیرا فرصت های فراوان برای مشارکت در اجتماع، افزایش میزان بازده خانواده سرمایه گذاری در زمینه آموزش زنان و دختران از راه های موثر در کاهش فقر است، زنان تحصیل کرده اهمیت مراقبت های بهداشتی راتشخیص داده و روش های رعایت بهداشتی برای خود و خانواده آگاهند(رخشانی نسب و خنجر خانی، ۱۳۹۵).

وضعیت توسعه یافتگی زنان در ایران: یکی از مهمترین شاخص های برنامه توسعه سازمان ملل شاخص نابرابری جنسیتی است که در سه بعد در سال ۲۰۱۰ به نام شاخص تجربی معرفی شد که شامل بهداشت که مبتنی بر نرخ مرگ و میر مادران و نرخ باروری زنان نوجوان، توانمند سازی شامل تعداد زنان حاضر در پارلمان و نرخ باروری زنان نوجوان می باشد توانمند سازی که شامل تعداد نمایندگان زن در پارلمان و تعداد نسبی زنان بالای ۲۵ سال است که دست کم مدرک تحصیلی راهنمایی را دارند و بعد سوم که مربوط به بازار کار است و به واسطه نرخ مشارکت زنان در بازار کار تعیین می شود. مهمترین مزیت این شاخص این است که اجازه نمی دهد بهبود در یک بعد کاهش چشمگیر در بعد دیگر را پوشش دهد و هدف از طراحی این شاخص این است که نشان دهد دستاورد های ملی در بخش توسعه انسانی تا چه حد بر اساس نابرابری جنسیتی از بین رفته است(خیری دوست، نصیری، ۱۳۹۴). میزان این شاخص بین صفر تا یک بوده و صفر برابری کامل بین زن و مرد می باشد در سال ۱۹۹۵ شاخص ایران ۰/۶۲ و در سال ۲۰۱۱ ۰/۴۹ و در سال ۲۰۱۷ به ۰/۵۴ رسیده است شاخص مشارکت ایران نسبت به مردان در مجلس عربستان ثابت و در ایران کاهش یافته بطوریکه در یک دید کلی ایران در این زمینه به نسبت کشورهای دنیا رتبه پایین دارد و به همراه لبنان در زمره ۱۰ کشور آخر از میان ۱۸۶ کشور قرار دارد. بیشترین مشارکت در رواندا ۵۱/۹ درصد و پس از آن آندورا با ۵۰ درصد و کوبا با ۴۲/۲ درصد قرار دارند بطور متوسط در سال ۲۰۱۳ درصد از کرسی های مجلس در سطح دنیا ۲۵ درصد در کشورهای توسعه یافته بسیار بالا و ۱۸/۵ درصد در کشورهای با توسعه یافتگی بالا و ۱۹/۲ درصد از کرسی های مجلس در کشورهای کم توسعه یافته به زنان اختصاص دارد (گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۳). جدیدترین گزارش اتحادیه بین المجالس جهانی ایران از حیث حضور نمایندگان زن در مجلس دهم در رتبه ۱۸۵ دنیا از میان ۱۹۵ کشور قرار دارد و البته در منطقه خاورمیانه نیز سایر کشورها وضعیت بهتری نسبت به ایران دارند افغانستان ۲۷ نفر و عراق ۲۷ نفر و امارات ۲۰ و پاکستان ۲۰ نفر قرقیزستان و تاجیکستان ۱۹ نفر، ترکیه ۱۷ نفر و سوریه ۱۳ نفر کرسی های مجلس در اختیار زنان است. ایران با تعداد ۱۶ نفر از میان ۲۷۰ نفر حدود ۵/۹ درصد و تنها ۱۲ کشور شامل نیجریه، تایلند، سریلانکا، لبنان، مالدیو، کویت و هائیتی، جزایر سولومون، عمان و یمن در رتبه پایین تری از ایران قرار دارند. براساس داده های موسسه بین المللی دموکراسی و کمک به انتخابات در سال ۲۰۱۳ ۳۹ کرسی از ۱۵۰ کرسی مجلس (حدود ۲۶ درصد) در کشور استرالیا را زنان کسب کرده اند در کانادا ۷۶ از ۳۰۸ کرسی مجلس حدود ۲۵ درصد را زنان کسب کرده اند. در جمعیت زنان با حداقل تحصیلات راهنمایی در همه کشورهای همسایه ایران روند افزایشی داشته به غیر از افغانستان. در کشورهایی مثل ارمنستان، کویت نزدیک به یک یعنی مردان و زنان تقریب یکسان هستند و تقریباً به یک میزان است و در ارمنستان تساوی کامل برقرار است و در کویت زنان بالاتر از مردان هستند و ایران در رتبه چهارم در منطقه را دارد در کشورهای مثل انگلستان، چک، قزاقستان، دانمارک و اسلوانی نزدیک به ۱۰۰ است و در ایران ۶۲/۹ درصد می باشد(سایت سازمان ملل، ۲۰۱۳). توسعه زنان از نظر حضور زنان در بازار کار: اشتغال زنان موضوع چالش برانگیزی که زمینه ساز رشد زنان در بسیاری از مسائل است از جمله فردی - اجتماعی و خانوادگی با ایجاد روحیه اعتناد به نفس، رشد، استقلال فکری - روحی ایجاد آگاهی و بینش اجتماعی و فهم مسائل زنان و کمک به حل این مشکلات استفاده بهینه از اوقات فراغت است که احساس مفید بودن سلامتی و شادابی و افزایش بهره وری بالا رفتن درآمد است بنابراین یکی از شاخص های توسعه یافتگی زنان در ادبیات بین المللی حضور در بازار کار است. ایران با کاهش این شاخص مواجه بوده و مقایسه شاخص در میان کشورها نشان می دهد علیرغم تلاش ها و افزایش سطح تحصیلات ایران همچنان از وضعیت مطلوبی در این شاخص برخوردار نیست بنابراین

متوسط اشتغال در کشورهای با توسعه بالای ۴۶/۸ توسعه انسانی متوسط ۵۰/۶ و توسعه انسانی پایین ۵۶/۴ است. متوسط اشتغال زنان در دنیا ۵۱/۳ و کمترین میزان در کشورهای مسلمان است و نقش عامل فرعنگی و اعتقادی در این میان بسیار پررنگ می باشد (خیری دوست و نصیری، ۱۳۹۴).

زنان و سواد رسانه دیجیتال: سواد رسانه عبارت است از مجموعه مهارت های تولید دیجیتال است که شامل توانایی ایجاد، انتقادی بودن، مهم بودن مشارکت و مصرف محتوا است (فلو، ۲۰۱۶). علاوه بر این رسانه جدید یا سواد رسانه دیجیتال مهارت های فرهنگی و اجتماعی است که در شبکه سازی توسعه یافته و بر پایه سواد سنتی (خواندن و نوشتن) و همچنین مهارت های تجزیه و تحلیل انتقادی رسانه پایه گذاری شده است (جنکینز^۴ و همکاران، ۲۰۰۹) جامعه به پیکر بندی مهارت های ارتباطی و حل مسئله توسعه یافته نیاز دارد که شامل ۵ ویژگی رسانه دیجیتال شامل:

- ۱- دسترسی پیدا کردن و استفاده از رسانه و ابزارهای ماهرانه فناوری و اشتراک گذاری اطلاعات مرتبط با یکدیگر.
- ۲- تجزیه و تحلیل و ارزیابی: درک کردن پیام و استفاده تفکر انتقادی برای تجزیه و تحلیل، کیفیت، صحت، اعتبار و دیدگاه پیام ها ضمن در نظر گرفتن اثرات و پیامدهای اجتماعی پیام ها.
- ۳- ایجاد: ساختن یا تولید محتوی با استفاده از خلاقیت و اعتماد بنفس در بیان خود با هدف آگاهی، مشارکتو تکنیک.
- ۴- انعکاس: درخواست مسؤلیت اجتماعی و اصول اخلاقی برای هویت و تجربه زندگی خود، رفتارهای ارتباطی و هدایت کردن.
- ۵- در آخر عمل کردن: کارکن انفرادی و مشارکتی برای به اشتراک گذاشتن دانش و حل مشکلات خانواده، محل و جامعه (سوانا و لیالی، ۲۰۱۷)

رسانه های دیجیتال مزایای زیادی برای زنان دارند مثلا بعضی رسانه ها می توانند از زنان حول و حوش هنچاره های اجتماعی مرد سالارانه به حضور و گسترش شرکت های کوچک که با مدیریت زنان پشتیبانی کنند (سیرواستاوا و منظر، ۲۰۱۳). شانس کارآفرین شدن برای مادران و زنان خانه دار و ایجاد درآمد بیشتر در زنان به توسعه فردی و خانوادگی آنها می انجامد (سولیکانتی، ۲۰۱۴). با این حال عوامل ساختاری می توانند چرایی استفاده و یا عدم استفاده زنان از فناوری اطلاعات و ارتباطات یا رسانه های دیجیتال و چگونگی استفاده از آن را روشن می سازد. موانع: عوامل اجتماعی (نبود مهارت های سواد)، امکانات اولیه (نبود پول برای خرید ابزار مناسب)، روانشناختی (عدم توانایی در یادگیری مهارت های فناوری ارتباطات و اطلاعات) می تواند از مهمترین موانع در توسعه رسانه ای در زنان باشد. انچمن هایی به منظور آموزش مهارت ها به زنان ایجاد شده است که در جهت توانمند سازی این زنان بسیار مهم است و می تواند راه حلی برای غلبه و عبور از محدودیت ها باشند و زنان را به سوی رسانه های دیجیتال رهنمون نمایند (سوانا، ۲۰۱۷).

^۱:flew

^۲: Jenkins

^۳: Suwana, , Lily

^۴: Srivastava, , & Manzar

^۵: Sulikanti

^۶: suawana

زنان و توسعه پایدار جامعه: توسعه پایدار فرایندی است که طی آن انسانها نیاز خود را برمی آورند و سطح زندگی خود را ارتقاء بخشیده بدون آنکه از منابعی که به نسل های بعد تعلق دارد مصرف کنند بنابراین توسعه زمانی پایدار است که مخرب نبوده و منابع طبیعی پایه به گونه ای که مورد استفاده قرار گیرد که نسل های آینده به اندازه نسل کنونی تولید و مصرف کنند. علت اصلی توجه به توسعه پایدار از طرفی محدود بودن امکانات و از سوی دیگر نامحدود بودن نیازهای بشر است و مفروضات اساسی آن شامل:

۱- یکپارچگی اقتصادی و محیطی و تصمیم های اقتصادی بر مبنای نتایج حاصل در محیط یکسان است .

۲- تعهد بین نسل ها تصمیم های فعلی با توجه به اثرات به نسل آتی.

۳- عدالت اجتماعی برای همه ثابت است.

۴- حفاظت محیطی

۵- کیفیت زندگی (رفاه بشری باید از محدوده رفاه اقتصادی فراتر رود)

۶- مشارکت و سازماندهی مجدد نهادها و سازمان ها (غازی و ملک آبادی، ۱۳۹۷).

زنان در سراسر جهان نقش تعیین کننده در اداره امور خانواده و جامعه دارند و برای تسریع روند تغییر و تحقق هدف های توسعه پایدار مسئولیت بسیار جدی و مهمی بر عهده دارند زنان نخست باید به اهمیت و تاثیر خود آشنا شده بکوشند مدیریت ایجاد تغییر را فراهم کرده و با ایجاد یک تغییر درون زا به تغییر محیط برونی خویش بپردازند و آموزش زنان مهمترین شاخص در ایجاد یک موقعیت مناسب توسعه برای زنان است که به توسعه پایدار بیانجامد در این میان نقش سازمان های غیر دولتی و تشکل ها بسیار مهم و حیاتی است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹). در گرد همایی رهبران جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی در سازمان ملل تحت عنوان نشست هزاره اهدافی را برای توسعه کشورها مشخص کردند که در این نشست بیانیه ای تصویب شد که بر مبنای آن کشورها باید برنامه هایی را اجرا کنند که نتیجه آن مسیر توسعه یافتگی از این اهداف عبور کند. ریشه کن کردن فقر مطلق و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، توانمند سازی زنان، کاهش مرگ و میر کودکان و مادران، بهبود و تندرستی زنان، مبارزه با آیدز، پایداری محیط زیست، و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه است با نگاهی کوتاه به این شاخص ها به این نتیجه می رسیم که این شاخص ها همگی از شاخص های توسعه یافتگی زنان نشأت می گیرد بنا براین حلقه مفقوده توسعه پایدار همانا توسعه زنان است (تمیزی، ۱۳۹۸: ۴۹).

ویژگی های خانواده ایرانی: توسعه یکی از پر چالش ترین مفاهیم و موضوعات در ایران است و چالشی شدن آن به تقدم حضور برنامه ای تا مفهومی و نظری آن در ایران برمی گردد و قبل از اینکه دانش و آگاهی لازم را درباره توسعه داشته باشیم وارد اجرای آن شویم و برنامه تدوین کنیم و تبدیل به یک مقلد از برنامه های توسعه های توسعه غربی و شرقی شدیم و با دو طیف از دیدگاه مواجه شدیم، یکی مطالعات توسعه ای که منتقدان و روشنفکران و معترضان آن را دنبال می کنند و دیگری عمل توسعه ای که بروکرات ها و مردم آن را دنبال می کنند بطوریکه بروکرات ها مسئول تهیه برنامه و گاهی اجرا و مردم به لحاظ عینی درگیر آن هستند و همین دوگانگی فضا با عث مشکلات بنیادی شده است. تلاشهای زیادی به واسطه طرفین در پیوستگی صورت گرفته است ولی به دلیل سوگیری ها کار به جایی رسیده و می توان از شکل دهی سازمان ها بوسیله بروکراتها و مجریان نام برد اما در عمل این دو هیچ گاه پیوند مناسبی با هم نداشته اند و همیشه سئوالات اساسی مثل الگوی مناسب توسعه چیست؟ نقش نظام ارزشی و فرهنگی خانواده های ایرانی چیست و نقش زنان در توسعه چیست؟ خاستگاه فرهنگی و ارزشی جامعه ایران خانواده را محلی برای آرامش و سکون و همچنین یک موسسه اخلاقی-اجتماعی، اقتصادی بوده و هسته ای برای یک جامعه با هدف پیشرو باشد در شرایط کنونی خانواده ایرانی به دلیل تغییرات ساختاری و کارکردی

نگرشی و فرهنگی با چالش ها و مسائل نوینی روبه رو است و باید با تغییر و تحولات با منشاء بیرونی و درونی مدیریت شود. بر مبنای رویکردهای (جامعه شناختی، روانشناختی، دینی، اجتماعی) دو دسته عوامل مقوم و فرساینده خانواده ایرانی بر اساس جداول برگرفته از پژوهش های مختلف به قرار زیر است.

عوامل مقوم خانواده ایرانی در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی طبق جدول شماره ۲ عبارتند از:

جدول - ۲: عوامل مقوم خانواده ایرانی، برگرفته از غفاریان و حاجیان مقدم، ۱۳۹۲

بعد اجتماعی	بعد خانوادگی	بعد فردی
محیط مساعد فرهنگی و سیاسی جامعه	تعاملات مثبت خانواده	ایمان، عقاید و ارزش های اخلاقی
خدمات عمومی و حمل و نقل	ایمان و عقاید مشترک	سلامت روحی و جسمی
ملاحظات بهداشتی	شیوه اداره زندگی خانوادگی	رشد فردی، بهره وری
	رفاه مادی	

که در هر سه بعد نقش خانواده و در راس آن زنان در تمام بخش ها نقش اصلی را دارند.

عوامل فرساینده نیز مانند مقوم در سه بعد فردی خانوادگی و اجتماعی قرار دارند که طبق جدول شماره ۳ می باشد:

جدول - ۳: عوامل فرساینده خانواده ایرانی، برگرفته از غفاریان و حاجیان مقدم، ۱۳۹۲

بعد اجتماعی	بعد خانوادگی	بعد فردی
محیط نامساعد فرهنگی - اجتماعی و سیاسی	تعاملات منفی خانواده	محدود بودن توانایی ها و قابلیت ها
	مشکلات فرهنگی	بیماری جسمی و روحی
	مشکلات مادی	عقاید نامطلوب و ضعف اخلاقی- رفتاری
	کوتاه بودن مدت زناشویی	
	تفاوت وضعیت اقتصادی زوجین	

با توجه به مسائل بیان شده همچنین پدیده جهانی شدن که تحولات عظیم در نظام اجتماعی و ارزشی حاکم بر جامعه و فشارهای بیرونی و درونی در سطوح مختلف جامعه، باعث تغییر در جایگاه کارکردی، ارزشی و ساختاری در خانواده شده و اینکه خانواده همپای جامعه در حرکت است و خانواده ایرانی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی تغییرات بنیادی کرده و کمتر کسی به این تغییرات باور ندارد (میر محمد رضایی، ساروخانی، ۱۳۹۷). نظریه تغییرات ارزشی اینگلههارت به دلیل پیوند تحولات در سطح کلان با تغییرات ارزشی فردی قابل اتکا است و توسعه اقتصادی و گسترش رسانه های جمعی در ایران ارزشهای خانوادگی تغییرات فراوان نموده است بحث هایی مثل برابری جنسیتی - افزایش حقوق زنان، رشد آزادی های جنسی، حقوق کودکان، افزایش حق تصمیم گیری و خانواده و جامعه برای زنان همگی با پدیده جهانی شدن همگام شده و توسعه را برای کشورها در پی دارد (لبیسی، ۱۳۹۳). با توجه به نظر سازمان های جهانی یکی از ابعاد توسعه در هر کشوری توسعه زنان است. اما با توجه داشت که تحولات بنیادین در زمینه های اقتصادی و اجتماعی باعث دگرگونی فراوان در انحصار خانواده

هاست بنابراین فرض نظری این است که تحت تاثیر اوضاع اجتماعی جامعه ناشی از تغییرات جامعه جهانی و توسعه خانواده های سنتی ایرانی دستخوش تغییر شده و تعادی ساختاری آن با چالش روبه رو شده و بروز پدیده های طلاق و تک والدی دور از انتظار نیست. با توجه به این موضوع تغییرات کارکردی مثل انتظارات نقش ساختار قدرت (تصمیم گیری)، کلاق عاطفی، شیوه های همسرگزینی، فردگرایی، نگرش به روابط خارج از چارچوب، فرزندمداری و تغییر نوع روابط خویشاوندی در نظام خانواده های ایرانی به وضوح مشاهده می شود (میر محمد رضایی، ساروخانی، ۱۳۹۷). طیف زیادی از پژوهشهای انجام گرفته درباره وضعیت دینداری در جامعه ایرانی دلالت بر تدین مردم ایران داشته و افول دینداری در ایران را غیرموجه دانسته اند (فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸؛ غیاثوند، ۱۳۹۵؛ طالبان، ۱۳۹۳) اگرچه بر تحولات ارزشی و هنجاری جامعه ایرانی به عنوان یک واقعیت نیز تأکید دارند. درباره واقعیت خانواده در جامعه ایرانی دیدگاهها و نظرات متعددی در فضای علمی کشور وجود دارد که غالب آنها سخن از تحولات خانواده در ابعاد مختلف ساختاری و کارکردی به میان آورده اند (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵؛ قانعی راد، ۱۳۹۶؛ تنهایی و شکرپیگی، ۱۳۸۷؛ حاجیانی، ۱۳۹۰؛ نیکپی، ۱۳۹۱؛ علی احمدی، ۱۳۸۹؛ زمانیان، ۱۳۸۷). درباره تحولات الگوی خانواده در ایران و جهان نظریه پردازیهایی بسیاری انجام گرفته است. کاترین حکیم در کتاب مبتنی بر نقش های متمایز « و « مبتنی بر نقش های توافقی »، « برابری خواه » مدل از خانواده یعنی را ارائه کرده و این گونه نتیجه می گیرد که زنان بیشتر به مدل برابری خواه و « تفکیک شده » رابطه ناب « مردان بیشتر به مدل سنتی متمایل بوده اند. همچنین آنتونی گیدنز با طرح مفهوم بر این نکته تأکید میورزد که اساساً خانواده امروز دیگر یک واحد تولیدی و اقتصادی نبوده و منطق دادوستد در روابط زوجین مبتنی بر عواطف و صمیمیت است (گیدنز، ۱۳۸۷). وی با وضع مفهوم "خانواده دموکراتیک" به مثابه یک آرمان برای دنیای جدید، تأکید دارد که برخلاف روابط نابرابر زن و مرد در گذشته که زن مایملک مرد تلقی میشد، در این الگو از خانواده برابری و موقعیت یکسان در مناسبات زن و شوهری، احترام متقابل، تصمیم گیری بر مبنای گفت و گو و مشورت، آزادی از خشونت و تعهد متقابل وجود دارد (گیدنز، ۱۹۹۲). لذا ساخت قدرت از شکل هرمی با محوریت مرد در راس هرم تغییر یافته و با معیارهای دموکراتیک بازسازی میگردد. در مقابل نیز عدهای با عنایت به تحولات خانواده در جامعه ایرانی، کماکان از هژمونی الگوی خانواده سنتی در مقابل خانواده مدنی در عینیت اجتماعی ایران سخن گفته و معتقدند جایگاه خانواده در جامعه ایرانی به عنوان یک نهاد دینی و عرفی از بین نرفته است (آزادارمکی، ۱۳۹۴؛ کرمی، ۱۳۹۵؛ حق شناس، ۱۳۸۸). نکته ای که در تحلیل جایگاه خانواده در عینیت اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی نباید مغفول واقع شود و پژوهش پیش رو نیز به این نظرگاه ملتزم بوده، این است که خانواده ایرانی ظرفیتهای دینی و سنتی متعددی برای بازتولید خود در اختیار داشته و در برابر عناصر تحولی فرهنگ مدرن پایداری و قوام خود را حفظ نموده است (رستگار و همکاران، ۱۳۹۹).

در بررسی پژوهش های انجام شده می توان به پژوهش های زیر اشاره نمود:

تمیزی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان تاثیر شاخصهای توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی انجام داده است که نتایج نشان داد که درآمد سرانه و نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت و معنیداری دارد. همچنین نرخ تحصیلات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی دارد. و در نهایت میتوان بیان کرد که شاخصهای توسعه انسانی بر رشد اقتصادی در بین کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارد.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان مطالعات توسعه انسانی زنان و جنسیت: فراسنتر مطالعات توسعه انسانی زنان، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی انجام داده اند که نتایج نشان داد سیاست های مطالعات توسعه انسانی زنان در چارچوب تعریف زیستی از زنان بوده و بحث از زمینه های تاریخی و ساختاری و ایدئولوژیک به ساختن عاملیت زنانه و توانمندی ها و محدودیت غایب مطالعات تویعه انسانی زنان بوده است.

زارغان و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران انجام داده اند که نتایج نشان داد برنامه های توسعه اقدام مؤثری برای افزایش عاملیت زنان در ناحیه دسترسی به منابع و حضور در شبکه های اجتماعی و بازار نداشته و فقط به حمایت های اندک مالی و تا حدودی حمایت های اجتماعی بسنده کرده است؛ سیاستی که نمیتواند به کاهش فقر و بهبود زندگی این زنان در درآمدت منجر شود.

میر محمد رضایی و ساروخانی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی نشان داده اند جهانی شدن فقط نیروی خارجی نیست که بر ما اثر میگذارد، بلکه ما نیز در آن سهیم هستیم. در این میان عوامل محلی را نیز نباید از نظر دور داشت و در سیاستگذاریها به فرصتها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن توجه کرد.

حیدری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار انجام داده اند که نتایج نشان داد یکی از شاخص های تأثیرگذار بر روی مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان آموزش و توانمندسازی آنان است. به هر میزان بر روی آموزش و مهارت آموزی زنان برنامه ریزی و سرمایه گذاری گردد، اثر مستقیم و غیرمستقیم بر روی مشارکت اقتصادی و سیاسی کشورها دارد. هرچه کشورها توسعه یافته تر باشند شکاف بین توسعه یافتگی زنان و مردان کاهش می یابد.

رخشانی نسب، خنجرخانی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه ی شاخصهای آموزشی و فرهنگی در ایران انجام داده اند که نتایج نشان داد یافته های پژوهش نشان میدهد از ۶۴ نماگر اولیه، ۴۹ نماگر انتخابی که به ۵ عامل معنا دار تقلیل یافته اند و مجموعاً ۶۵/۴۸ درصد واریانس جامعه را تبیین می کنند، بر توسعهی خدمات آموزشی و فرهنگی کشور مؤثر هستند. به لحاظ توسعه ی خدمات مورد نظر، ۱۰ استان در سطح فراتوسعه، ۱۰ استان در سطح میان توسعه یافته ی بالا، ۴ استان در سطح میان توسعه یافته ی پایین و ۷ استان در سطح فروتوسعه قرار دارند. برای کاهش عدم تعادل "نیروهای آموزشی-اداری و دانش آموزی" و نابرابری بین مناطق، رگرسیون چندمتغیره، سهم عامل را بیش از سایر عوامل پیشگویی میکند.

کاظمی، نصرت (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان زنان، توسعه و آموزش انجام داد که ضمن اشاره به لزوم حذف موانع موجود بر سر راه زنان، به نقشی که آموزش می تواند در توانمندسازی آنان، نه به عنوان ابزار توسعه بلکه به مثابه موتور آن، ایفا کند تأکید خواهد شد. تأکید بر زانی است که، با دستیابی به آموزش عالی، می توانند نقش مؤثرتری در توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی کشور داشته باشند.

خیری دوست و نصیری (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مقایسه تطبیقی شاخصهای توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه انجام داده اند که نتایج نشان داد که ایران به لحاظ شاخص های توسعه زنان در ردیف های انتهایی جدول کشورهای با توسعه انسانی بالا قرار دارد، اما ملاحظه اجزای این شاخص گویای آن است که ایران در زمینه شاخص های سلامتی و آموزش زنان از متوسط جهانی و متوسط کشورهای با توسعه یافتگی بالا بهتر عمل کرده است. از طرف دیگر، شاخص های مشارکت زنان در مجلس و بازار کار لزوماً معیار خوبی برای تشخیص توسعه یافتگی زنان کشورها به شمار نمی رود و تعریف شاخص های کارآمدتر برای ارزیابی موقعیت سیاسی و اقتصادی زنان در جامعه ضروری است.

شفیعی و پور باقر (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان مطالعه ی جنسیتی شاخص های توسعه در اجرای برنامه چهارم انجام داده اند که نتایج نشان داد در حالی که نقطه تمایز برنامه چهارم توسعه نسبت به برنامه های پیشین، مبتنی بر ایجاد زمینه برای افزایش مشارکت اقتصادی، اجتماعی زنان است، واقعیت امر به گونه دیگری است. به عبارت دیگر اگرچه شاخص های بهداشت و سلامت و نیز آموزش، خصوصاً آموزش عالی حکایت از بهبود وضعیت زنان دارد، شاخصهای اقتصادی و نیز سیاسی نسبت به برنامه سوم توسعه و نیز انتظارات مندرج در برنامه ی چهارم، رشد مطلوبی نداشته است. این مهم، در کنار درک برخی استلزامات سیاست گذاری، ضرورت اتخاذ رویکردی استراتژیک در برنامه های کلان معطوف به زنان را برجسته می سازد.

آل عمران، آل عمران (۱۳۹۳). پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر شاخص های زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه (MENA) ی خاورمیانه و شمال آفریقا انجام داده اند که نتایج پژوهش حاکی از آن است که (MENA) شاخص آموزش، شاخص بهداشت و شاخص اشتغال زنان تاثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه ی خاورمیانه و شمال آفریقا و شاخص باروری زنان تاثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه ی خاورمیانه و شمال آفریقا دارد.

شفیعی و پور باقر (۱۳۹۳). پژوهشی با عنوان زنان و شاخص های توسعه در ایران و ترکیه انجام داده اند که یافته ها نشان می دهد به جز مجموعه مؤلفه های شاخص بهداشت که هر دو کشور کم و بیش وضعیت مشابهی گزارش داده اند، وضعیت مؤلفه های شاخص سیاست و اقتصاد زنان در ترکیه سطح بالاتری از توسعه یافتگی را خصوصاً در دو دهه اخیر نشان می دهد. این امر تا اندازه ای مرتبط با بسترسازی های حمایتی قانونی دولت بوده است. همچنین باید گفت بهبود قابل توجه مؤلفه های شاخص آموزش در میان زنان ایرانی موضوعی است که مستلزم مدیریت راهبردی ناظر به سایر شاخص های توسعه انسانی می باشد.

غفاری و حاجیان مقدم (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی به این نتیجه رسیده اند که غالب آثار به لحاظ برخورداری از نظریه های رایج دارای پشتوانه علمی است، لیکن به دلیل اتکا به متغیرهای خاص، نوعی تقلیل گرایی در آن ها وجود دارد. در تحلیل نهاد خانواده در زیست بوم فرهنگ ایرانی- اسلامی نیاز به نظریه پردازی جامعی است. در تحلیل نهایی، الگویی مشخص از موضوعی به عوامل فرهنگی (در این تحقیق شامل ایمان، عقاید و ارزش های « : دست آمد که به ترتیب اولویت بدین قرارند (اخلاقی، تعاملات خانوادگی، سلامت جسمی و روحی، رشد فردی، شیوه اداره زندگی خانوادگی، امور اقتصادی و رفاه مادی، محیط فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه، اختلاف سنی زوجین، طول مدت زناشویی، خدمات عمومی و حمل و نقل عمومی و ملاحظات بهداشتی جامعه).

محبوبی منش و حبیب زاده ملکی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان جایگاه زنان ایران در فرایند توسعه انجام داده اند که نتایج نشان داد مسئله جنسیت و توسعه نابرابری جنسیتی در فرایند توسعه در کلیه جوامع اعم از توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته در خور مشاهده است و این مسئله نابرابری هر چه به سمت کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته برویم نابرابری در عرصه های آموزشی، اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی از لحاظ شکل وسیع تر و از لحاظ محتوا عمیق تر است.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان راهبردهای توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران انجام داده اند که نتایج نشان داد که به منظور تقویت و توسعه آموزش حفظ محیط زیست و توسعه پایدار در کشور، راهبردهای تهاجمی به همراه به راهبرد فرعی دیگر بایستی به صورت یک بسته راهبردی با یک زمانبندی مشخص توسط نهادهای محلی و مردمی و با تقویت سیاست ها، قوانین، رویه ها، مقررات از طرف مدیران دولتی نخست با اتخاذ راهبرد تهاجمی و سپس به ترتیب بازنگری، تنوع بخشی و تدافعی مورد توجه قرار گیرد.

بررسی پژوهش های انجام شده نشان می دهد که در تمامی پژوهش ها بر زنان به عنوان سرمایه های انسانی که توجه مطلوب و شایسته ای نشده است و فارغ از رویکردهای مربوط به توسعه در تعریف و سنجش و نظریه پردازی، یکی از مقیاس های مهم در بحث توسعه یافتگی یا توسعه نیافتگی کشورهای جهان، شاخص توسعه زنان می باشد و با توجه به اینکه توسعه فرایند تغییر از شرایط موجود به شرایط مطلوب است. در رویکرد توسعه انسانی، ایجاد شرایط لازم برای تحقق شخصیت انسانی بالقوه آحاد افراد جامعه توسعه نام دارد. با این تعریف، تفاوت میان شرایط مطلوب در فرهنگ های گوناگون به تفاوت در تعریف آن فرهنگ از شخصیت بالقوه انسانی بازمی گردد. از آن جا که ادبیات توسعه در کشورهای غربی شکل گرفته و رواج یافته است، می تواند در کشورهای مختلف با فرهنگ متفاوت تغییر نماید شاخص های توسعه یافتگی و نوع نگاهشان به انسان نیز باید بر اساس تفاوت ها تفاوت داشته باشد.

نتیجه گیری:

با توجه به سند چشم انداز ۱۴۰۴ که بر آن اساس تا سال ۱۴۰۴ کشورمان در رتبه برتر منطقه در همه عرصه ها قرار گیرد شاخص های توسعه انسانی در ایران در مقایسه با سالهای گذشته پیشرفت چشمگیری داشته است و این شاخص ها در زنان به در بعضی شاخص های حوزه سلامت، یعنی شاخص نرخ باروری زنان نوجوان (زنان ۱۵ تا ۱۹ سال) و شاخص نرخ مرگ و میر مادران بسیار موفق عمل کرده است، اما در مورد دو شاخص دیگر، یعنی مشارکت زنان در مجلس و مشارکت زنان در بازار کار شاخص های توسعه انسانی چنسیتی و توانمند سازی و شکاف جنسیتی بطور کلی وضع مطلوبی را ندارد، اما بررسی دقیق تر دو شاخص اخیر نشان می دهد که بر خلاف شاخص های قبلی، سطح توسعه یافتگی کشورها در تعیین این دو شاخص اهمیت ندارد؛ به ویژه در زمینه مشارکت زنان در بازار کار چهار رتبه بالاتر دنیا به کشورهایی با توسعه یافتگی پایین اختصاص دارد که در زمینه شاخص نابرابری جنسیتی نیز در رتبه های انتهایی جدول قرار دارند. بنابراین، لزوما ورود زنان به بازار کار یا عرصه سیاسی، مانند مشارکت در مجلس، به توسعه یافتگی زنان در کشورها منجر نخواهد شد و شاید بهتر باشد در این دو شاخص تجدید نظرهایی صورت گیرد.

برای رفع مشکل تبعیض نژادی در کشورهای توسعه یافته تلاش را برای رفع این مسئله از سیستم آموزشی و برنامه های و کتب درسی و آموزشی شروع شده است همانطور که تحقیقات متعدد نشان داده است آموزش بهترین شیوه تغییر در همه سطوح است و هر چه این آموزش ها از سنین پایین تر آغاز شود نتایج مطلوب تری را در بر خواهد داشت و زنان به عنوان اصلی ترین و محوری ترین عامل آموزش در جایگاه خاصی قرار دارند و لازمه توسعه و توسعه پایدار زنانی آموزش دیده و توسعه یافته می باشند. بنا براین توسعه پدیده هایی مثل از بین بردن پدر سالاری، افزایش حقوق زنان اجازه به افراد برای تغییر در هویت فردی و اجتماعی و تغییرات نقشی، شرکت زنان در شکل گیری مسائل اقتصادی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به مسائل نوظهور دیگری نیز انجامیده است اما نباید ویژگی های فرهنگی - طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را از نظر دور داشت هر چه ساختار سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کشوری بالغ تر باشد و با شناسایی امکانات و با دید صحیح و منطقی با آن مواجه شویم. اما همیشه دو مولفه دین و فرهنگ محلی در مقابل تغییرات جهانی و توسعه قرار دارند و بیشترین فشار نیز روی دوش زنان قرار دارد. اما برای توسعه زنان و در پی آن توسعه جامعه نیازمند سیاست گذاری فرهنگی و اجتماعی و حکایت از خانواده ها و ارزش نهادن به هنجارها - آداب و سنن در فرهنگ های مختلف علاوه بر برپا داشتن آن به زنان فرصت رشد و تعالی داده و در نهایت جامعه ای توسعه یافته تر داشته باشیم. در این باره لازم است تمهیداتی اندیشیده شود که به زنان کمک نماید که بتوانند در راه توسعه گام اساسی بردارند:

- گذر از جامعه مرد سالار و مشارکت توأم زنان و مردان در همه عرصه ها با حفظ جایگاه زنان در خانه و خانواده
- آموزش متناسب با شرایط زنان در همه سطوح از مدیران و نخبگان تا زنان روستاها به منظور آگاهی آنان از توانایی ها و استعداد های بالقوه در آنان برای رسیدن به دو هدف عمده توسعه و پایداری در جامعه و نظام خانواده
- تامین فرصت های شغلی برابر بسته به شرایط جسمی و روحی زنان و مردان و هموار کردن مسیر دستیابی به فرصت های برابر در بازار کار
- برای رسیدن به توسعه پایدار باید به مسئله صرفه جویی یا شناخت حد مصرف پرداخت که این امر توسط زنان در خانواده متبلور و ملکه ذهن کودکان می شود.

- آشنایی زنان به سواد رسانه ای از طریق راه اندازی کارگاه های آموزشی فناوری ارتباطات و اطلاعات
- آموزش کسب و کارهای اینترنتی در جهت آموزش زنان به کسب درآمد
- تلاش مردان دانا برای فراهم کردن زمینه همکاری زنان و کمک به ایجاد یک جامعه پویا و توسعه یافته در سایه برقراری ارتباطات فکری - علمی و تکنولوژیکی زنان را از نظر فکری باز گذاشت که به دنیای آزاد پیوندند.
- برنامه ریزی صحیح عمیق و کلان به امر تعلیم و تربیت، توجه به تعلیم و تربیت زنان از سنین پایین توجه به رشد و توسعه زنان که نتیجه آن رشد و توسعه جامعه است که در نهایت به توسعه پایدار در جامعه می انجامد.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۹۴، جامعه شناسی خانواده ایرانی، تهران: سمت.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ نوری سعید، علی، ۱۳۹۱، روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدار شناسی، پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۲، شماره ۶۸، پاییز و زمستان ۹۱، صص ۵۶-۶۳
- افتخاری، رکن الدین؛ عارف نیا، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، خجسته؛ فیروزنیا، حمد الله؛ صادق‌قلو، قدیر؛ دینانی، لیلا؛ فتاحی، احدالله، ۱۳۸۹، راهبردهای توسعه آموزش توسعه پایدار در ایران، جغرافیا: تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۲۵، از ۴۷ تا ۶۶.
- افراخته، حسن؛ سرایی، سودابه، ۱۳۹۲، جایگاه زن در برنامه توسعه چهارم و پنجم جمهوری اسلامی ایران، مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان، سال ۱۱ شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲-۱۳۳.
- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سید علی، ۱۳۹۳، بررسی تاثیر شاخص های زنان بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه (MENA) خاورمیانه و شمال آفریقا، زن و مطالعات خانواده: بهار ۱۳۹۳، - شماره ۲۳ از ۷ تا ۳۰.
- بهرامی تاش، رکسانا، ۱۳۸۹، چالش با اقتصاد نولیبرالیسم (جنسیت و جهانی سازی در آسیای جنوب شرقی)، غلامحسین، فتح الله، تهران، سمت.
- تمیزی، علیرضا، ۱۳۹۸، راهبرد توسعه: بهار ۱۳۹۸ - شماره ۵۷، از ۴۵ تا ۷۸
- تنهایی، ابوالحسن و عالیه شکر بیگی، ۱۳۸۷، جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران، مجله جامعه شناسی، شماره ۳۳، ۵۶-۵۵.
- حاجیان، ابراهیم، ۱۳۹۰، آسیب شناسی نهاد خانواده در ایران (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حسینی، حاتم، ۱۳۸۹، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره ۸ شماره ۲ تابستان ۱۳۸۹، ۱۶۳-۱۸۸.
- حق شناس، سیدجعفر، ۱۳۹۲، آسیب شناسی خانواده (مجموعه مقالات)، قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده.
- حیدری، فریب، ۱۳۹۷، نقش و مشارکت زنان در توسعه پایدار، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان / سال سوم / بهار ۱۳۹۷
- خیری دوست، زهرا؛ نصیری، بهاره، ۱۳۹۴، مقایسه تطبیقی شاخصهای توسعه زنان در ایران و کشورهای همسایه آن، علوم اجتماعی پژوهش نامه زنان: بهار و تابستان ۱۳۹۴، سال ششم - شماره ۱۲ (ویژه نامه) از ۴۷ تا ۶۶
- رستگار خالد، امیر؛ اقبالی، ابوالفضل؛ خالقی، عاطفه، ۱۳۹۹، بازنمایی گفتمان های خانواده در مجلات عامه پسند ایرانی علوم اجتماعی: مطالعات فرهنگ - ارتباطات: بهار ۱۳۹۹ - شماره ۸۱ از ۹۳ تا ۱۲۲.
- زارعان، منصوره؛ زارعی، معصومه؛ هنردوست، عطیه، ۱۳۹۷، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، زن در توسعه و سیاست تابستان ۱۳۹۷ - شماره ۶۰، از ۳۱۹ تا ۳۳۸
- زعفرانچی، لیلا السادات، ۱۳۸۵، زنان و خانواده در چهار برنامه توسعه، فصلنامه کتاب زنان، ش ۳۳، صص ۱۰۵-۱۰۷.
- زمانیان، علی، ۱۳۸۷، تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- سازمان مل متحد مجمع عمومی، ۲۰۰۰، اعلامیه جهانی حقوق بشر به کوشش کیوان فرد، نشر کاروان، تهران.

سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد به آدرس: <http://hdr.undp.org/en/reports>

- سن، آمارتیا، ۱۳۸۱، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، انتشارات کویر، تهران؛ فرهنگ شفيعی و پور باقر، ۱۳۹۴، مطالعه ی جنسیتی شاخصهای توسعه در اجرای برنامه چهارم، فصلنامه ی مطالعات توسعه ی اجتماعی-فرهنگی، دوره ی سوم، شماره ی ۴، بهار ۹۴، صفحات ۷۷-۱۱۰
- شفيعی، سمیه سادات؛ پورباقر، زهرا، ۱۳۹۳، زنان و شاخص های توسعه در ایران و ترکیه، علوم اجتماعی :: برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی :: زمستان ۱۳۹۳ - شماره ۲۱، از ۱۱۱ تا ۱۵۶
- طالبان، محمدرضا، ۱۳۹۳، پیمایش ملی تدین اسلامی ایرانیان، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- علی احمدی، امید، ۱۳۸۸، تحولات معاصر خانواده در شهر تهران، تهران: نشر شهر.
- غازی، ایران؛ مختاری ملک آبادی، رضا، ۱۳۸۴، نقش آموزش زنان در توسعه پایدار انسانی، جغرافیا :: اطلاعات جغرافیایی :: تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۵۴، از ۲۰ تا ۲۵
- غفاری، غلامرضا؛ حاجیان مقدم، فاطمه، ۱۳۹۲، فرا تحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی، مدیریت، مدیریت فرهنگی :: بهار ۱۳۹۲ - شماره ۱۹ از ۸۹ تا ۱۱۶
- غیاثوند، احمد، ۱۳۹۵، رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه شناختی از چهار دهه دینداری در جامعه ایران فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷۳.
- فرجی، مهدی، کاظمی، عباس، ۱۳۸۸، بررسی وضعیت دینداری در ایران: با تکیه بر پیمایش داده های سه دهه گذشته، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۶: ۳۶-۵۸.
- قانعی راد، محمدمبین، ۱۳۹۶، زوال پدرسالاری: فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی، تهران: نقد قره باغیان، مرتضی، ۱۳۸۱، اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی.
- کاظمی، علی؛ خالقپناه، کمال؛ جلوند، اختر، ۱۳۹۷، مطالعات توسعه انسانی زنان و جنسیت: فراسنتز مطالعات توسعه انسانی زنان، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، بهار ۱۳۹۷ - شماره ۳۴، از ۱۳۷ تا ۱۶۶.
- کاظمی، نصرت، ۱۳۹۵، زنان، توسعه و آموزش، مطالعات توسعه انسانی زنان، بهار ۱۳۹۵ - شماره ۲۷، از ۲۴ تا ۴۷
- کریمی، محمد تقی، ۱۳۹۱، تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با محوریت مسائل زنان و خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ش ۱۳.
- کریمی، محمد تقی، ۱۳۹۵، ساخت اجتماعی طلاق در ایران، فصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده در ایران: شماره ۱، ۶۴-۸۶
- کلدی، علیرضا؛ سلحشوری، پروانه، ۱۳۹۱، بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمند سازی زنان، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۴.
- کلمن، دیوید؛ نیکسون، فرد، ۱۳۷۸، اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد مکی، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۵.
- کندال، دبانا، ۱۳۹۳، جامعه شناسی معاصر، تهران: جامعه شناسان.

کوشیک، سوردادی، شری دی-انگارا جان، ۱۳۹۴، تامین مالی خرد و توانمند سازی زنان، ترجمه اصغر نورالله زاده، تهران: علمی-فرهنگی.

گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موافقیان، تهران: نی.

لبیبی، محمدمهدی، ۱۳۹۳، خانواده در قرن بیست و یکم. با مقدمه های از باقر ساروخانی. تهران: نشر علم.

محبوبی منش، حسین؛ حبیب زاده ملکی، اصحاب، ۱۳۹۰، جایگاه زنان ایران در فرآیند توسعه، مطالعات پلیس زن، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ - شماره ۱۵ از ۶۵ تا ۹۶.

محمدی، زهرا، ۱۳۹۴، زنان و برنامه چهارم توسعه، حورا ماهنامه داخلی علمی فرهنگی اجتماعی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ش ۱۶.

محمدی، زهرا، ۱۳۹۴، تحولات خانواده در ایران، تهران: دبرخانه شورای عالی فرهنگی.

میرمحمدرضائی، سیده زهرا؛ ساروخانی، باقر، ۱۳۹۷، نقش جهانی شدن در تغییرات دو دهه اخیر خانواده ایرانی، علوم تربیتی، فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، پاییز ۱۳۹۷ - شماره ۴۴ از ۱۳۱ تا ۱۶۴

نوروز زاده، رضا؛ مقدسی، ن، ۱۳۸۹، سیاست گذاری و برنامه ریزی آموزشی در ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فصلنامه آموزش عالی، دوره جدید سال ۳، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۹، ۳۹-۶۲.

نیک پی، امیر، ۱۳۹۱، جامعه شناسی تحول خانواده در ایران "جامعه شناسی تاریخی، شماره ۱، ۱۳۱-۱۶۹.

Bolles, A. Lynn (1999). "Theories of Women in Development in the Caribbean". In Patricia Mohammed, Catherine Shepherd.

Fiona Suwana a, , Lily ,(2017) Empowering Indonesian women through building digital
Flew, T. (2014). New media: An introduction (4th ed.). Melbourne, VIC, Australia: Oxford University Press.

Giddens, Anthony (1992). The Transformation of Intimacy (Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies), Stanford University Press, First Publish

Hakim, Catherine (2003). **Models of the Family in Modern societies: Ideal & Realities**, England, Ash gate..

Jenkins, H., Clinton, K., Purushotma, R., Robison, A. J., & Weigel, M. (2009). Confronting the challenges of participatory culture: Media education for the 21st century, digital media learning. Cambridge, MA: The John D. and Catherine T. MacArthur Foundation.

media literacy , Kasetsart Journal of Social Sciences 38 (2017) 212e217.

Seers, Dudley (1972). "What are we trying to Measure?"; The Journal of Development Studies, Vol. 8, No. 3.

Srivastava, R., & Manzar, O. (2013). The internet as a pathway for women's empowerment in India digital empowerment foundation. Global Information Society Watch, APC and HIVOS. Retrieved from http://www.giswatch.org/sites/default/files/india_gisw13.pdf.

Sulikanti agusni, personal interview, february 17, 2014.

The world's women 2015, (2015). Trends and Statistics, United Nations.

United Nations educational, scientific and cultural organization (Unesco). (2000). Word education indicators. from the Unesco website: www.unesco.org.

weeks-vagliani, winifred (1985) "the integration of women in development projects", OECD publishing.

Williamson, O. (2000). The new institutional economics: Taking Stock, Looking ahead, The Journal of Economic Literature. 38 (3), 595-613.

